



# نقش ناگویی هیجانی، بخشودگی بین فردی و رضایت زناشویی در پیش‌بینی طلاق عاطفی

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۱۰

## خلاصه

### مقدمه

هدف پژوهش حاضر تعیین نقش ناگویی هیجانی، بخشودگی بین فردی و رضایت زناشویی بر طلاق عاطفی زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره خانواده بود.

### روش کار

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و طرح پژوهش همبستگی بود. از جامعه آماری تمامی زنان مراجعه کننده به کلینیک‌های روانشناختی و مراکز مشاوره مورد تایید سازمان نظام روانشناسی و مشاوره شهر تهران به روش خوشه‌ای تصادفی ۳۶۰ نفر انتخاب شد. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس طلاق عاطفی گاتمن (۲۰۰۸)، ناگویی هیجانی بگی و همکاران (۱۹۹۴)، بخشودگی بین فردی پولارد و همکاران (۱۹۹۸) و رضایت زناشویی انریچ (۱۹۸۹) استفاده شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل آزمون پیرسون و OLS استفاده شد.

### نتایج

نتایج نشان داد ناگویی هیجانی ( $t=4/773$  و  $p \leq 0/01$ ) به طور مستقیم و بخشودگی بین فردی ( $p \leq 0/01$ ) و رضایت زناشویی ( $t=8/06$  و  $p \leq 0/01$ ) بطور معکوس و معنی‌دار می‌تواند طلاق عاطفی را مورد پیش‌بینی قرار دهد.

### نتیجه‌گیری

ناگویی هیجانی، بخشودگی بین فردی و رضایت زناشویی در پیش‌بینی طلاق عاطفی نقش اساسی دارند، بنابراین با بهبود آنها می‌توان کارکرد و کیفیت زندگی در خانواده را بهبود بخشید.

### کلمات کلیدی

طلاق عاطفی، ناگویی هیجانی، بخشودگی بین فردی، رضایت زناشویی

**پی‌نوشت:** این مطالعه فاقد تضاد منافع می‌باشد.

آنسته امیرخسروی<sup>۱</sup>

هادی بهرامی<sup>۲\*</sup>

ابوطالب سعادت‌ی شامیر<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد

علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> استاد گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و

تحقیقات تهران، تهران، ایران.

<sup>۳</sup> استادیار گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد

علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران.

\* گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و

تحقیقات تهران، تهران، ایران

Email: prof.bahrami114@gmail.com

## مقدمه

مدرسه‌ای و روانشناختی نیز از جمله پیامدهای آن برای نوجوانان است (۶).

یکی از عواملی که می‌تواند در زمینه زندگی زناشویی و پدیده طلاق موثر باشد، تنظیم هیجان است که تا به حال توجه اندکی به آن شده است (۷). پژوهش اکبری و همکاران (۸) نشان داد که طلاق عاطفی بر مبنای تنظیم هیجان قابل پیش‌بینی است. یکی از سازه‌هایی مهم که به منظور بررسی مسائل مرتبط با پردازش و تنظیم هیجان مورد مطالعه قرار گرفته است، ناگویی هیجانی است (۹). در واقع یکی از عواملی که زمینه مشکلات بین فردی و زندگی زناشویی را فراهم می‌کند، وجود خصوصیات ناگویی هیجانی است (۱۰). ناگویی هیجانی سازه‌ای چندبعدی متشکل از چهار مشخصه مجزا است: الف) دشواری در تشخیص و توصیف احساسات، ب) مشکل در تمایز میان احساسات و تهییج‌های بدنی، ج) فقر در خیالپردازی‌ها، و د) تفکر عینی و تفکر درون‌گرایانه ضعیف (تفکر برون‌مدار) (۱۱). تعریف ویژگی‌های ناگویی هیجانی در تضاد با تنظیم هیجان موثر قرار دارد و پژوهش‌ها رابطه بین ناگویی هیجانی و سبک‌های ناکارآمد تنظیم هیجان را تایید کرده‌اند (۱۲).

یکی دیگر از عوامل مرتبط با زندگی زناشویی و طلاق عاطفی، بخشودگی میان زوجین است (۱۳). پژوهش کاظمیان مقدم و همکاران (۱۴) نشان داد که بین بخشودگی و تعارضات زناشویی مانند طلاق عاطفی و دلزدگی زناشویی ارتباط منفی وجود دارد. بخشودگی فرایند آزادسازی روانی - عاطفی است که در درون فرد رنجیده رخ می‌دهد و او را به گونه‌ای از عصبانیت، خشم و ترسی که احساس می‌کرده آزاد می‌کند تا دیگر میلی به انتقام نداشته باشد و از حق جبران عمل بگذرد. این فرآیند به کندی

یکی از مشکلات شایع موجود در خانواده‌های امروزی، تعارضات زناشویی است. اشتغالات ذهنی بالا و منابع بیرونی استرس‌زا، به شدت زوجین را تحت فشار قرار داده و در طی زمان هر دو با توجه به اهداف ویژه خود، احتمالاً از یکدیگر دور می‌شوند؛ این دوری منجر به افزایش فاصله‌های عاطفی و جسمانی بین آن دو برمی‌گردد (۱). در واقع برخی ازدواج‌ها با طلاق پایان نمی‌یابند، به ازدواج‌های تو خالی تبدیل می‌شوند که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی هستند و همسران فقط با جریان زندگی خانوادگی به پیش می‌روند و زمان را سپری می‌کنند و اعضای آن به زندگی با یکدیگر ادامه می‌دهند، ولی از روابط و کنش متقابل با یکدیگر و حمایت احساسی محروم هستند (۲).

پل بوهانان (۱۹۷۰) طلاق عاطفی را اولین مرحله در فرایند طلاق و بیانگر رابطه‌ی زناشویی رو به زوالی می‌داند که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود (۳). مارک نپ، نظریه پرداز طلاق عاطفی، تحلیل عمیقی از مراحل آغاز، آزمون و پایان دادن یک رابطه و انواع فراگرد ارتباطی مربوط به آن‌ها را ارائه داده است. او در کل ده مرحله رادر روابط افراد تفکیک کرده که پنج مرحله مربوط به پیوند و پنج مرحله مربوط به جدایی است. پنج مرحله جدایی عبارتند از: مرحله افتراق، مرحله محدود کردن، مرحله بی روح شدن رابطه، مرحله پرهیز از یکدیگر و مرحله جدایی (۴). طلاق عاطفی تهدیدی جدی برای زندگی زناشویی و خانواده محسوب می‌شود و موجب بروز پیامدهای منفی روانی، جسمانی، اجتماعی و اقتصادی می‌شود. از جمله پیامدهای طلاق عاطفی برای بزرگسالان، احتمال فراوان بروز اختلال منش، اضطراب، افسردگی، بزهکاری و مشکلات

رخ می‌دهد و ضرورتاً به این معنا نیست که فرد خاطره‌های دردناک خود را فراموش کند (۱۵). بخشودن طرف مقابل برای تخطی‌ها و تخلف‌هایی که صورت داده یک وسیله قوی و توانمند برای خاتمه دادن به یک رابطه‌ی مختل شده یا دردناک می‌باشد و شرایط را برای آشتی و مصالحه با فرد خطاکار به-وجود می‌آورد (۱۶). لاولر رو و همکاران (۱۷) بین سطح سلامت روانی و میزان بخشودگی روابط معناداری یافتند. گوردون<sup>۱</sup> و همکاران (۱۸) نیز در پژوهشی نشان دادند که بخشودگی زوج به صورت معناداری با رضایت زناشویی و عملکرد زوج‌ها در زندگی رابطه دارد.

پژوهش‌های مختلفی نشان دادند که طلاق عاطفی متأثر از رضایت زناشویی است (۱۹ و ۲۰). هاکینز رضایت زناشویی را احساس عینی از خشنودی و رضایت و لذت تجربه شده توسط زن و شوهر، موقعی که همه خصیصه‌ها و جنبه‌های ازدواجشان را در نظر بگیرند، می‌داند (۲۱). رضایت زناشویی ابعاد مختلفی دارد که عبارتند از موضوعات شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت، روابط جنسی قشرهای مربوط به برابری و جهت‌گیری عقیدتی (۳).

براساس آمار رسمی در ایران از هر ۱۰۰۰ مورد ازدواج، حدود ۲۰۰ مورد به طلاق منجر می‌شود و ایران، چهارمین کشور جهان از نظر میزان نسبت طلاق به ازدواج معرفی شده است. البته آمار رسمی طلاق به طور کامل نشان‌دهنده‌ی میزان ناکامی در زندگی زناشویی نیست؛ زیرا در کنار آن، آمار بزرگتر اما کشف نشده-ای به نام طلاق عاطفی وجود دارد (۲). اساساً طلاق عاطفی پیامدهایی منفی برای فرد و جامعه در پی دارد و مشکلاتی متعددی برای زوجین و سیستم خانواده ایجاد می‌نماید؛ به گونه-ای که در شخصیت اعضای خانواده و مخصوصاً زنان (به دلیل

خصوصیات منحصر به فرد آنها) نوعی آشفتگی و بی‌سازمانی به وجود می‌آورد و کیفیت روابط خانواده را دچار تزلزل می‌کند. مطالب گفته شده، بیانگر این موضوع است که طلاق عاطفی مقدمات جدایی و طلاق است. بنابراین، همین امر را می‌توان یکی از مهمترین دلایل اهمیت بررسی طلاق عاطفی به شمار آورد. با توجه به نقش مهم طلاق عاطفی در به خطر انداختن سلامت خانواده و جامعه (۸). و نظر به این نکته که در مطالعات علمی و دانشگاهی ایران، طلاق عاطفی کمتر مورد توجه قرار گرفته است، شکاف اینگونه پژوهش‌های بنیادی علمی، جدی به نظر می‌رسد؛ بنابراین مساله اصلی این پژوهش بررسی نقش ناگویی هیجانی، بخشودگی بین فردی و رضایت زناشویی بر طلاق عاطفی زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره خانواده بود.

### روش کار

پژوهش حاضر از لحاظ رویکرد تحقیق در زمره تحقیقات کمی و از لحاظ روش تحقیق در زمره تحقیقات همبستگی دسته‌بندی می‌گردد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل زنان مراجعه کننده به کلینیک‌های روانشناختی و مراکز مشاوره مورد تایید سازمان نظام روانشناسی و مشاوره در منطقه ۲ تهران در بازه زمانی ۶ ماهه از تاریخ ۱۵ فروردین تا ۱۵ مهر سال ۱۳۹۸ بود که حداقل ۳ سال از زندگی مشترک آنها گذشته بود. ابتدا با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای از مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، منطقه ۲ انتخاب شد. سپس از بین تمامی کلینیک‌های روانشناسی و مشاوره منطقه ۲، تعداد ۵ مرکز انتخاب شد و ۳۶۰ نفر از آنها انتخاب شدند. روش اجرا بدین ترتیب بود که بعد از هماهنگی‌های لازم با مراکز روانشناسی و مشاوره منطقه ۲ شهر تهران، پرسشنامه‌های پژوهش که شامل طلاق عاطفی، ناگویی هیجانی، بخشودگی بین فردی و رضایت زناشویی بود، در اختیار

<sup>1</sup> Gordon

طلاق عاطفی است. به این معنا که زندگی زناشویی فرد در معرض جدایی قرار داشته و علائمی از طلاق عاطفی در او مشهود می‌باشد. پایایی آن در ایران ۰/۹۳ گزارش شده است. برای به دست آوردن روایی سازه از تحلیل عاملی به روش چرخشی واریماکس و آزمون اسکری استفاده شد و بدین- صورت چهار عامل شناسایی شد: جدایی و فاصله از یکدیگر، احساس تنهایی و انزوا، نیاز به همراه و هم‌صحبت و احساس بی- حوصلگی و بی‌قراری. بار عاملی همه سوالات در دامنه ۰/۴۹ تا ۰/۸۱ قرار داشته و بار عاملی مقبولی دارند. روایی صوری آن نیز توسط متخصصان تأیید شده است (۸).

**مقیاس ناگویی هیجانی:** مقیاس ناگویی هیجانی (TAS<sup>۱</sup>) 20 این مقیاس ۲۰ ماده‌ای توسط بگی<sup>۲</sup> و همکاران در سال ۱۹۹۴ ساخته شده و ناگویی هیجانی را در سه زیر مقیاس دشواری در تشخیص احساس (۷ ماده)، دشواری در توصیف احساس (۵ ماده) و تفکر برون‌مدار (۸ ماده) ارزیابی می‌کند. روش نمره‌گذاری این مقیاس بدین صورت است که برای گزینه کاملاً مخالف نمره ۱، مخالف: ۲، نه مخالف نه موافق: ۳، موافق: ۴، کاملاً موافق: ۵ در نظر گرفته می‌شود (۲۲). بشارت (۲۳) اعتبار کل مقیاس را در نمونه ایرانی با استفاده از روش دو نیمه‌سازی و بازآزمایی ۰/۷۱ و ۰/۸۳ و روایی مقیاس را ۰/۸۵ گزارش کرد.

**مقیاس بخشودگی:** برای سنجش بخشودگی از مقیاس سنجش بخشش در خانواده (FFS<sup>۳</sup>) استفاده شد. این مقیاس در سال ۱۹۹۸ توسط پولارد و همکارانش برای یافتن میزان بخشایش در خانواده‌ها و نیز ابعاد بخشایش طراحی و ساخته شد. پرسشنامه شامل دو قسمت می‌باشد یک قسمت مربوط به

زنان قرار گرفت و گردآوری اطلاعات لازم انجام شد؛ در این مرحله از پژوهش به دلیل کنترل کردن اثر سوالات بر نحوه پاسخدهی زنان، پرسشنامه‌های پژوهش در پنج دسته قرار گرفت که در دسته الف، ترتیب پرسشنامه‌ها بدین ترتیب بود: مقیاس طلاق عاطفی، مقیاس ناگویی هیجانی، مقیاس بخشودگی و پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ؛ در دسته ب: پرسشنامه رضایت زناشویی، مقیاس ناگویی هیجانی، مقیاس طلاق عاطفی و مقیاس بخشودگی. در دسته ج: مقیاس بخشودگی، مقیاس طلاق عاطفی، پرسشنامه رضایت زناشویی و مقیاس ناگویی هیجانی. در دسته د: مقیاس ناگویی هیجانی، پرسشنامه رضایت زناشویی، مقیاس بخشودگی و مقیاس طلاق عاطفی. در دسته ه: پرسشنامه رضایت زناشویی، مقیاس بخشودگی، مقیاس ناگویی هیجانی و مقیاس طلاق عاطفی. گفتنی است که از قبل از اجرای پرسشنامه‌ها، درباره پرسشنامه‌ها به زنان توضیح داده شد و از آن‌ها خواسته شد تا با کمال دقت به سوالات جواب دهند؛ در مورد محرمانه بودن اطلاعات و رعایت اخلاق پژوهشی به زنان اطمینان داده شد. بعد از گردآوری اطلاعات، داده‌های پژوهش با استفاده از روش همبستگی پیرسون و OLS تحلیل شد.

## ابزارها

**مقیاس طلاق عاطفی:** این مقیاس توسط گاتمن در سال ۱۹۹۴ تهیه شده که دارای ۲۴ سؤال می‌باشد. گاتمن در توضیح این مقیاس بیان می‌کند که زمانی که زوج‌ها هنوز رسماً زن و شوهر هستند ولی آنچنان احساس انزوا می‌کنند که تفاوت چندانی میان زن و شوهر بودن آنها و تنها زندگی کردن وجود ندارد، این حالت را تجربه می‌کنند. سوالات این مقیاس به- صورت "بلی و خیر" جواب داده می‌شوند، بعد از جمع کردن پاسخ‌های بله و خیر، اگر تعداد پاسخهای "بله" برابر با هشت (۸) یا بالاتر از هشت بود نشان‌دهنده نارضایتی زندگی زناشویی و

<sup>1</sup> Toronto alexithymia scale

<sup>2</sup> Baghby

<sup>3</sup> Family forgiveness scale



۶	موضوعات	.190*	.217*	-	-	-	-	-	1	-.235**	1							
	شخصیتی			.171*	.271*													
۷	ارتباطات	.097	.166*	-	-	-	-	-	1	-.195**	.490*							
	زناشویی			.178*	.247*													
۸	حل تعارض	.214*	.211*	-	-	-	-	-	1	-.150**	.534*	.412**						
				.129*	.227*													
۹	مدیریت مالی	.234*	.258*	-	-	-	-	-	1	-.204**	.519*	.496**	.442**					
				.203*	.285*													
۱۰	اوقات فراغت	.151*	.157*	-	-	-	-	-	1	-.156**	.341*	.410**	.291**	.625**				
				.121*	.234*													
۱۱	روابط جنسی	.059	.127*	-	-	-	-	-	1	-.156**	.434*	.542**	.406**	.414**	.293*			
				.165*	.205*													
۱۲	ازدواج و فرزندان	.198*	.163*	-	-	-	-	-	1	-.229**	.498*	.541**	.418**	.518**	.476*	.478*		
				.240*	.297*													
۱۳	اقوام و دوستان	.111*	.176*	-	-	-	-	-	1	-.214**	.528*	.593**	.372**	.496**	.376*	.442*	.536*	
				.192*	.272*													
۱۴	جهت گیری مذهبی	.141*	.176*	-	-	-	-	-	1	-.191**	.371*	.388**	.311**	.423**	.302*	.308*	.410*	.397*
				.173*	.236*													
۱۵	طلاق عاطفی	-.547*	-.393*	.499*	.320*	.388**	-.476*	-.343**	-.441**	-.458**	-.394*	-.254*	-.434*	-.334*	-.249*			

به عبارتی بین ناگویی هیجانی با طلاق عاطفی ارتباط مستقیم و بین بخشودگی بین فردی و رضایت زناشویی با طلاق عاطفی ارتباط غیرمستقیم وجود دارد.

در جدول ۱ ماتریس همبستگی بین متغیرهای مشاهده شده گزارش شده است. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش نشان می دهد که اکثر متغیرها باهم رابطه معنادار و مثبت دارند.

جدول ۲. ضرایب استاندارد مستقیم برآورد شده توسط روش OLS

پیش بین	ملاک	ضریب استاندارد	t	سطح معنی داری
ناگویی هیجانی	طلاق عاطفی	۰/۲۱۴	۴/۷۷۳	۰/۰۱
بخشودگی بین فردی	طلاق عاطفی	-۰/۳۵۲	۸/۰۶۳	۰/۰۱
رضایت زناشویی	طلاق عاطفی	-۰/۳۷۹	۹/۳۰۴	۰/۰۱

زناشویی بر طلاق عاطفی برابر با  $-۰/۳۷۹$  ( $P < .01$ ) بود. به عبارت دیگر یافته های این تحلیل حاکی از این است که بخشودگی بین فردی و رضایت زناشویی به طور معکوس و معنی دار به پیش بینی طلاق عاطفی می پردازد. یعنی، با بالا رفتن نمرات بخشودگی بین فردی و رضایت زناشویی نمرات طلاق عاطفی کاهش و با کاهش نمرات بخشودگی بین فردی و

مطابق با یافته های گزارش شده در جدول ۲ مشخص است که ضریب استاندارد رگرسیون ناگویی هیجانی بر طلاق عاطفی برابر با  $۰/۲۱۴$  است ( $P < .01$ ). در واقع این یافته گویای این است که ناگویی هیجانی به طور مستقیم و معنی دار می تواند طلاق عاطفی را مورد پیش بینی قرار دهد. ضریب استاندارد مستقیم رگرسیون بخشودگی بین فردی بر طلاق عاطفی برابر با  $-۰/۳۵۲$  و اندازه ضریب مستقیم استاندارد رگرسیون رضایت

رضایت زناشویی با احتمال زیادی نمرات طلاق عاطفی افزایش

### بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف تعیین نقش ناگویی هیجانی، بخشودگی بین فردی و رضایت زناشویی در پیش‌بینی طلاق عاطفی انجام شد. اولین نتیجه پژوهش گویای این بود که ناگویی هیجانی به طور مستقیم و معنی‌دار می‌تواند طلاق عاطفی را مورد پیش‌بینی قرار دهد. یافته‌های این پژوهش همسو با یافته‌های پژوهش عسگری و گودرزی (۲۶)، مؤید، حاجی علی اکبری مهریزی و باق (۲۷)، استلدر (۲۸) و شارما (۲۹) است.

در تبیین همسویی یافته‌های پژوهش می‌توان از دو منظر مبانی نظری و مبانی پژوهشی به یافته‌ها توجه داشت. از منظر مبانی نظری باید اشاره کرد که ناگویی هیجانی مجموعه‌ای از نارسایی‌های عاطفی می‌باشد. که در آن فقدان ظرفیت عاطفی فرد منجر به شکست فرد در تشخیص و توصیف هیجان‌ها و به کلام در آوردن آنها می‌شود. بنابراین، ناگویی هیجانی منجر به دشواری‌هایی در فهم و تبادل هیجان‌ها و احساسات می‌شود (۱۲). زمانی که چنین مشکلی برای یکی از زوجین پیش می‌آید، بدین معنا است که یکی از زوجین ناتوان در فهم و تبادل هیجان‌ها و احساسات است. در حالی که روابط موفق زوجین نیازمند وجود سطح بالایی از درک و شعور نسبت به هیجان‌ها و احساسات طرف مقابل می‌باشد. بنابراین، زمانی که فرد نمی‌تواند احساسات خود را به درستی انتقال دهد یا در درک هیجان‌ها و احساسات زوج خود با مشکل مواجه است، در چنین حالتی به صورت تدریجی زوجین از هم فاصله احساسی و عاطفی می‌گیرند و در نهایت می‌تواند منجر به طلاق عاطفی شود. همچنین همسویی یافته پژوهش با یافته پژوهش‌های مذکور می‌تواند علل روش‌شناسی هم داشته باشد. برای مثال، زمانی که ابزار پژوهش مورد استفاده در تحقیقات برای جمع‌آوری داده‌ها مشابه باشد، می‌توان انتظار داشت که یافته‌ها همسویی داشته

می‌یابد.

باشد، به این دلیل که هر ابزار پژوهشی، کیفیت جمع‌آوری داده، روش نمره‌گذاری، تحلیل و تفسیر خاص خود را دارد و تفسیر داده‌های جمع‌آوری شده در صورت وجود ابزار مشابه، شبیه به هم خواهد بود.

نتیجه بعدی پژوهش این بود که بخشودگی بین فردی به طور معکوس و معنی‌دار به پیش‌بینی طلاق عاطفی می‌پردازد. یعنی، با بالا رفتن نمرات بخشودگی بین فردی نمرات طلاق عاطفی کاهش و با کاهش نمرات بخشودگی بین فردی با احتمال زیادی نمرات طلاق عاطفی افزایش می‌یابد. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش صفاریان طوسی، ثوابی و خویی‌نژاد (۳۰)، کاظمیان و همکاران (۱۴)، زاهدبابلان و همکاران (۱۳)، فینچمن و همکاران (۳۱) همسو بود. در تبیین همسویی یافته‌های پژوهش می‌توان از دو منظر مبانی نظری و مبانی پژوهشی به یافته‌ها توجه داشت. از منظر مبانی نظری باید اشاره کرد که بخشودگی یکی از فرایندهای روانشناختی، ارتباطی و معنوی برای افزایش سلامت روان و التیام آزرده‌گی است که لازمه رشد ارتباطی، عاطفی و جسمانی است. بخشودگی تلاشی برای حفظ عشق و اعتماد در روابط و پایان دادن به سوگیری‌های آسیب‌زا، در نظر گرفته است. سووالروند اسکینر بخشودگی را رهایی از احساس انزجار نسبت به عمل ارتكابی غلط، اغماض از طلب خسارت یا جبران عمل اشتباه از سوی فرد خطاکار و چشم‌پوشی از تقصیر وی تعریف می‌کند. وقتی زوجین دارای مهارت بخشودگی بین فردی باشند، می‌توانند زمانی که از سوی یکی از زوجین اشتباه و یا خطایی صورت می‌گیرد، ببخشند و این خود عاملی است برای تقویت بنیان رابطه زوجین. با توجه به اینکه بخشودگی با سلامت روان رابطه مثبت و معنادار دارد، لذا زوجینی که از سطح بخشودگی بین فردی بالایی برخوردار هستند، دارای سلامت روان بیشتری نیز هستند که خود عاملی مهم در مستحکم

نگه داشتن روابط بین زوجین می باشد. طبیعی است که در طول زندگی زوجین، مشکلات، سختی ها، دشواری ها و حتی اشتباهاتی رخ می دهد، اما آنچه که مهم است چگونگی مواجهه با این رخدادهاست سخت می باشد تا شکاف عاطفی بین زوجین شکل نگیرد. زوجینی که بخشنده هستند، برای حفظ عشق و اعتماد در روابط تلاش می کنند و این عاملی است برای برای حفظ روابط عاطفی بین زوجین. بنابراین، بررسی مبانی نظری نشان می دهد که بخشودگی بین فردی عاملی مثبت در کاهش طلاق عاطفی زوجین می باشد. از منظر روش شناسی و پژوهشی هم می توان به مشابه بودن جامعه آماری به عنوان یکی از دلایل همسویی یافته های پژوهش اشاره کرد. برای مثال، در پژوهش های صفاریان طوسی، ثوابی و خوبی نژاد (۳۰)، کاظمیان و همکاران (۱۴) و فیچمن و همکاران (۳۱) زنان به عنوان جامعه آماری پژوهش بودند که از این منظر به پژوهش حاضر شباهت دارند. اهمیت جامعه آماری مشابه از این جهت است که متوجه باشیم که جنسیت عامل متمایزکننده بسیاری از مؤلفه ها و ویژگی های روانشناختی بین زن و مرد می باشد.

همچنین نتیجه بعدی پژوهش این بود که رضایت زناشویی به طور معکوس و معنی دار به پیش بینی طلاق عاطفی می پردازد. یعنی با افزایش نمرات رضایت زناشویی با احتمال زیادی نمرات طلاق عاطفی کاهش و برعکس با کاهش نمرات رضایت زناشویی با احتمال زیادی نمرات طلاق عاطفی افزایش می یابد. یافته های این پژوهش همسو با یافته پژوهش زارع و صفیاری جعفرآباد (۳۲)، استلدر (۲۹)، فیچمن و همکاران (۳۱) می باشد. در تبیین همسویی یافته های پژوهش می توان از دو منظر مبانی نظری و مبانی پژوهشی به یافته ها توجه داشت. از منظر مبانی نظری باید اشاره کرد که رضایت زناشویی، احساسات عینی از خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده توسط زن یا شوهر است، به هنگامی که همه جنبه های ازدواج شان را در نظر می گیرند.

رضایت زناشویی یعنی «ابراز شادی و رضایت شخص از همسرش» می باشد. به عبارت دیگر، علاقه زوجین به یکدیگر و نشاط و رضایت آنان از هم، همان رضایت زناشویی است. اما وقتی نارضایتی از زناشویی وجود دارد یعنی علاقه و نشاط در رابطه زناشویی وجود ندارد. یعنی زوجین ابزار شادی و رضایت از روابط زناشویی نمی کنند و مؤلفه های خشنودی، رضایت و لذت حلقه های گمشده در رابطه زناشویی می باشند. بنابراین توضیحات می توان انتظار داشت که زمانی که نارضایتی زناشویی وجود دارد، بین زوجین احساس عاطفی، خشنودی و لذت شدیدی حاکم نیست که خود این عامل می تواند تهدیدی برای رابطه عاطفی زوجین باشد و اگر به آن توجهی نشود می تواند در بلند مدت باعث افزایش شکاف عاطفی و در نهایت طلاق عاطفی شود.

در مجموع و با توجه به یافته های حاصل از این پژوهش و بحث و تبیین هایی که راجع به یافته های پژوهش شد، می توان گفت که ناگویی هیجانی، بخشودگی بین فردی و نارضایتی زناشویی جزو عوامل مؤثر در طلاق عاطفی زنان می باشد. برای اینکه تلاش شود تا طلاق عاطفی زنان با همسران خود کاهش یابد باید به مؤلفه های ناگویی هیجانی و نارضایتی زناشویی به عنوان عوامل تسریع بخش طلاق عاطفی و به مولفه بخشودگی بین فردی به عنوان عاملی که باعث می شود تا طلاق عاطفی بین زوجین کاهش یابد، توجه شود.

از محدودیت این پژوهش تعداد زیاد پرسشنامه بود که احتمال می رود باعث خستگی و کاهش دقت و حوصله شرکت کنندگان شود. پژوهش حاضر ماهیت کمی داشته که در نهایت منجر به ارائه مدل ساختاری طلاق عاطفی در ارتباط با ناگویی هیجانی، بخشودگی بین فردی و نارضایتی زناشویی در زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره خانواده شد. پیشنهاد می شود که در پژوهش دیگری همین موضوع با ماهیت کیفی و نظریه داده بنیاد انجام



مطالعه قرار گیرد تا میزان قابلیت تعمیم یافته‌ها به جامعه زنان مراجعه کننده به کلینیک‌های روانشناختی و مراکز مشاوره افزایش یابد.

شود تا با مقایسه نتایج یافته‌های کمی و کیفی، اعتبار و قابلیت اتکا به یافته‌ها افزایش یابد. در پژوهش حاضر جامعه آماری محدود به منطقه ۲ تهران بوده است. پیشنهاد می‌شود در پژوهش دیگری، جامعه آماری متفاوت و گسترده‌تری مورد بررسی و

## References

1. Li C, Jiang S, Fan X, Zhang Q. Exploring the impact of marital relationship on the mental health of children: Does parent-child relationship matter?. *Journal of health psychology*. 2018 Apr 1;1359105318769348.
2. Samak YA, El-Keshky ME, Khusaifan SJ. Given the demographics of emotional divorce of spouses-How to minimize it, using structural equation modeling: A case study in Egypt. *International Journal of Social Work*. 2016;3(2):49-60.
3. Asay SM, DeFrain J, Metzger M, Moyer B. Implementing a strengths-based approach to intimate partner violence worldwide. *Journal of family violence*. 2016 Apr 1;31(3):349-60.
4. Kalunta-Crumpton A. Attitudes and solutions toward intimate partner violence: Immigrant Nigerian women speak. *Criminology & Criminal Justice*. 2017 Feb;17(1):3-21.
5. Firouzjaeian A, Riyahi M, Mohammadi M. Sociological analysis of emotional divorce among Nowshahr couples. *Socio-cultural development studies*. 2016; 5 (3): 34-59
6. Hashemi L, Homayuni H. Emotional divorce: Child's well-being. *Journal of Divorce & Remarriage*. 2017 Nov 17;58(8):631-44.
7. Hughes EK, Gullone E. Emotion regulation moderates relationships between body image concerns and psychological symptomatology. *Body image*. 2011 Jun 1;8(3):224-31.
8. Akbari E, Azimi Z, Talebi S, Fahimi S. Predicting the couple's emotional divorce based on initial maladaptive schemes, emotion regulation and its components. *Clinical Psychology and Personality-Knowledge of Former Behavior-*. 2017; 14 (2): 79-92
9. Waller E, Scheidt CE. Somatoform disorders as disorders of affect regulation: a development perspective. *International review of psychiatry*. 2006 Jan 1;18(1):13-24.
10. Bach M, de Zwaan M, Ackard D, Nutzinger DO, Mitchell JE. Alexithymia: Relationship to personality disorders. *Comprehensive Psychiatry*. 1994 May 1;35(3):239-43.
11. Taylor GJ, Bagby RM, Parker JD. Disorders of affect regulation: Alexithymia in medical and psychiatric illness. Cambridge University Press; 1999 Oct 7.
12. Dubey A, Pandey R, Mishra K. Role of Emotion Regulation Difficulties and Personality Difficulties and Positive/Negative Affectivity in Explaining Alexithymia-Health Relationship: An overview. *J Soc Sci Res*. 2010;7(1):20-31.
13. ZahedBolobolan A, Hoseini Shourabe M, PiriKamrani M, Dehghan F. Comparison of marital satisfaction, marital conflict and forgiveness in normal and divorced couples. *Pathology, counseling and family enrichment*. 2016; 1 (2): 74-84
14. KazemianMoghaddam K, Mehirabi Zadeh M, Kiamanesh A, Hoseinian S. The role of differentiation, meaning of life and forgiveness in predicting marital satisfaction. *Family Psychology*, 3 (2).
15. Parsafar S, Namdari K, Hashemi S, Mehrabi H. Investigating the relationship between religious commitment, forgiveness style, not forgiving and mental rumination with mental health. *Culture of counseling and psychotherapy*. 2015; 6 (23): 162-139.
16. Fincham FD, Beach SR, Davila J. Forgiveness and conflict resolution in marriage. *Journal of family Psychology*. 2004 Mar;18(1):72.
17. Lawler-Row KA, Karremans JC, Scott C, Edlis-Matityahou M, Edwards L. Forgiveness, physiological reactivity and health: The role of anger. *International Journal of Psychophysiology*. 2008 Apr 1;68(1):51-8.
18. Gordon KC, Hughes FM, Tomcik ND, Dixon LJ, Litzinger SC. Widening spheres of impact: The role of forgiveness in marital and family functioning. *Journal of family psychology*. 2009 Feb;23(1):1.
19. Shimkowski JR, Punyanunt-Carter N, Colwell MJ, Norman MS. Perceptions of Divorce, Closeness, Marital Attitudes, Romantic Beliefs, and Religiosity Among Emergent Adults From Divorced and Nondivorced Families. *Journal of Divorce & Remarriage*. 2018 Apr 3;59(3):222-36.
20. Tarshizi M, Sharifzadeh Gh, Saeedi E, Dastjerdi R. Evaluation of Sexual Quality of Life and its Relationship with Marital Satisfaction and Emotional Divorce in Hemodialysis Patients in Birjand, 2017. *J Jiroft Univ Med Sci*. 2019; 5 (2) :35-45

21. Ellis A, Sichel JL, Yeager RJ, DiMattia DJ, DiGiuseppe R. Rational-emotive couples therapy. Pergamon Press; 1989.
22. Bagby P, Taylor I. The twenty-item toronto alexision IV. maastricht: department of thymia scale-i. item selection and. medical, clinical and experimental crossvalidation of the factor psychology, maastricht university, ture. Journal of Psychosomatic Re Netherlands. 1994; 38: 23-32.
23. Besharat MA. Toronto's Emotional Disappointment Scale: Questionnaire, Method of Performance and Scoring (Persian version. Transformational Psychology: Iranian Psychologists, 0214; 10 (37), 90-92.
24. Sotoudeh H, Bahari S. Pathology of the Family. 2008; Tehran: Nedayeh Aryana
25. Ziaee T, Jannati Y, Mobasheri E, Taghavi T, Abdollahi H, Modanloo M, Behnampour N. The relationship between marital and sexual satisfaction among married women employees at Golestan University of Medical Sciences, Iran. Iranian journal of psychiatry and behavioral sciences. 2014;8(2):44.
26. Asgari A, Goudarzi K. The effectiveness of emotional schema therapy on marital intimacy of couples on the eve of divorce. Social Health Quarterly, 2019; 6 (2): 174-185.
27. Moayed F, HajiAliAkbari S, Bagh M. The role of excitement in the marital adjustment of women seeking divorce. Quarterly Journal of Women and Family Studies, 2018; 11 (42): 125-140.
28. Sharma B. Mental and emotional impact of divorce on women. Journal of the Indian Academy of Applied Psychology. 2011 Jan;37(1):125-31.
29. Stalder DR. The role of dissonance, social comparison, and marital status in thinking about divorce. Journal of Social and Personal Relationships. 2012 May;29(3):302-23.
30. SaffarianToosi MR, Savabi M, KhoeiNejad Gh. The role of intermediary factors in forgiveness and hope in influencing personality traits on marital satisfaction in the presence of divorce. Positive Psychological Research Letter, 2018; 4 (2): 71-85.
31. Fincham FD, Beach SR, Davila J. Forgiveness and conflict resolution in marriage. Journal of family Psychology. 2004 Mar;18(1):72.
32. Zare B, Safiyari H. A study of the relationship between factors affecting marital satisfaction among married men and women in Tehran. Women's Social Psychological Studies, 2016; 13 (1): 111-140.

*Original Article***The Role of Alexithymia, Interpersonal Forgiveness, and Marital Satisfaction in Predicting Emotional Divorce**

Received: 15/04/2020 - Accepted: 30/05/2020

Anesteh AmirKhosravi<sup>1</sup>  
 Hadi Bahrami<sup>\*2</sup>  
 AbouTaleb SaadatiShamir<sup>3</sup>

<sup>1</sup> PhD Student of Counseling, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

<sup>2</sup> Professor, Department of Counseling, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

<sup>3</sup> Assistant Professor, Department of Counseling, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

\* Department of Counseling, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

Email: prof.bahrami114@gmail.com

**Abstract**

**Introduction:** The purpose of the present study was to determine the role of Alexithymia, interpersonal forgiveness, and marital dissatisfaction on the emotional divorce of women referred to family counseling centers.

**Method:** This study was an applied and correlational research design. All women referred to psychological clinics and counseling centers approved by the Tehran Psychological and Counseling Organization were selected from the statistical population by random cluster sampling method. Data were collected using Gutman Emotional Divorce Scale (2008), Alexithymia of Begby et al. (1994), Interpersonal Forgiveness, Pollard et al. (1998), and Enrich Marital Satisfaction (1989). Data were analyzed using Pearson and OLS models.

**Results:** The results showed that Alexithymia ( $t = 4.77$  and  $P \leq 0/001$ ) directly and interpersonal forgiveness ( $t = 8.06$  and  $P \leq 0/001$ ) and marital satisfaction ( $t = 9.30$  and  $P \leq 0/001$ ) can predict inversely emotionally divorce.

**Conclusion:** Alexithymia, interpersonal forgiveness, and marital dissatisfaction have Basic role in predicting of emotional divorce, so improving their functioning can improve family functioning and quality of life.

**Keywords:** Emotional Divorce, Alexithymia, Interpersonal Forgiveness, Marital Dissatisfaction

**conflict of interest:** There is no conflict of interest.